

قاطعی هروی و مجمع الشعراى جهانگیر شاهى

نویسنده: پوهنوال فضل الرحمن فقیهى

چکیده

قاطعی هروی (وفات ۱۰۲۴ه.ق. در آگره) یکی از شاعران و نویسندگان مطرح هروی الاصل در دربار بابرین هند بوده که سلطنت همایون، اکبرشاه و جهانگیر را دریافته و از آن جمله، نور الدین محمد جهانگیر بیشتر ممدوح وی بوده است. وی از دانشمندان و سخنوران قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است که با شاهان هند و با سخنوران و اهل علم روزگار خود محشور بوده و آثار متعددی را نوشته است. از آثار قاطعی، مجمع الشعراى جهانگیر شاهى مهمتر به نظر میرسد و از سه مجلد آن یک جلد در دست است. این اثر، در ادبیات فارسی، به ویژه تاریخ و زندگی شاعران مفید است و جزئی از پیوند ادبی هرات با شبه قاره به شمار میرود؛ با وجودی که در هند نگاشته شده، هم نویسنده هروی است و هم تعدادی از شاعران هروی در آن درج‌اند. روش تألیف در آن کتاب؛ ترتیب موضوعی و سلیقه‌ی دارد. نویسنده، طبق معمول روزگار خود به تاریخ تولد و فوت شاعران توجه چندانی نکرده؛ بلکه به اوصاف ادبی و جایگاه علمی شان پرداخته است. این مقاله، جایگاه علمی و ادبی قاطعی و ارزش مجمع الشعراى جهانگیرشاهى را به پژوهش میگیرد.

واژه‌های کلیدی: قاطعی هروی، مجمع الشعراء، بابرین، جهانگیرشاه، هرات، هند.

مقدمه

دوره تیموریان شکوفاترین دوره ادبیات هرات بوده است؛ اما تسلط صفویه بر این شهر،

دشوارترین دوره برای اهل ادب این شهر به شمار آمده است. با سقوط هرات به دست صفویان، تعداد قابل اعتنایی از اهل علم و ادب هرات به مواضع دیگر، به ویژه شبه قاره هند پراکنده شدند؛ چه بهترین جای برای شاعران، دربار بابریان هند بود که ادب دوست و علم پرور بودند (گروه نویسندگان، ۱۳۵۵: ۹۶). این ادعا از برخوردهای حاکمان صفوی و زمامداران بابری به شکل خوبی هویداست. هنگامی که قاضی محمد اسلم هراتی از هرات به جانب هند رهسپار میشود، مورد اعزاز و اکرام قرار گرفت و قاضی مقرر شد و شاه جهان این مرد فاضل را مساوی به وزنش شش هزار و پنجصد طلا بخشید؛ اما امیر خان حاکم صفوی در هرات، آگهی هروی را به سبب شعر هجوی و انتقادی که سروده بود، دست و زبانش را برید (غبار، ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۰۴).

حسن معامله و معاشرت بابریان با اهل ادب و هنر، بهتر از هر جای دیگر بوده است. پناهندگان به هند با زندگی خوش ادامه میدادند؛ اما در ماوراء النهر - به ویژه در بخار - استاد میرعلی هروی، سید احمد آهوچشم و محمود بن اسحاق شهابی به دلتنگی به سر میبردند (فکری، ۱۳۴۹: ۲). بر مبنای چنین ملاحظه‌ایی در قرنهای دهم، یازدهم و دوازدهم، رابطه ادبی هرات با هند بیشتر از هر جای دیگر قابل اعتنا و بر سنجش است. بابریان از سال ۹۳۲ تا سال ۱۲۷۵ هجری برهند و اطراف آن حکم راندند و تمدن آفریدند و زمامدارانی چون بابر، همایون، اکبرشاه، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب در آن سامان حکمرانی داشتند و در ۱۲۵۷ حاکمیت شان پایان پذیرفت (دهخدا، ۱۳۷۷: بابر). یکی از این شاهان ادب پرور هند نورالدین محمد جهانگیر فرزند اکبر شاه بوده که قاطعی هروی در دربار وی جایگاهی داشته و کتاب مجمع الشعرائی جهانگیر شاهی تألیف قاطعی هروی به نام او مسمی شده است.

اهمیت موضوع: قاطعی هروی از دانشمندان و شاعران هرات است که سخن در مورد او و مجمع الشعرائی جهانگیر شاهی، وسیله شناخت روابط ادبی هرات و شبه قاره برای اهل ادب میباشد؛ از جانبی تذکره مجمع الشعرائی جهانگیری در دیار ما کمتر شناخته شده است و نیاز است معرفی شود. این کتاب مشتمل بر معرفی تعداد قابل اعتنایی از شاعران و دانشمندان و هنرمندان هرات است که بر اهمیت شناخت آن میفزاید.

اهداف: این تحقیق به هدف شناسایی و معرفی قاطعی هروی و مجمع الشعرائی جهانگیرشاهی و جایگاه این تذکره و نویسنده/ش در ادبیات فارسی، شناخت محتوای مجمع الشعرائی جهانگیرشاهی، بیان روش تألیف، دقت قاطعی در تذکره نگاری و جایگاه هروی در مجمع الشعرائی جهانگیرشاهی استوار است.

پرسشهای تحقیق: این تحقیق به پرسشهایی از این قبیل پاسخ میدهد: قاطعی هروی کی بود و

چه جایگاهی در ادبیات داشت؟ مجمع الشعراى جهانگیر شاهی چه گونه کتابی است؛ به طور کل، چه ارزش ادبی و تاریخی دارد؟ مجمع الشعراى جهانگیرشاهی در حوزه ادبی هرات چه ارزشی دارد؟ رابطه ادبی هرات و شبه قاره در دوره بابریان، برای متخصصان ادبیات، به ویژه متخصصان ادبیات هرات، چه قدر ارزشمند است؟

این مقاله دو مبحث را به بحث و پژوهش گرفته است:

۱. شخصیت و احوال قاطعی هروی

در باره قاطعی هروی معلومات کمتری وجود دارد. تنها دو مرجع برای شناخت شخصیت وی در دست اند: یکی، عرفات العاشقین و عرصات العارفین (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۵، ۳۰۵۵) که در باره او اندکی معلومات داده است. دو دیگر، متن مجمع الشعراى جهانگیر شاهی است؛ آنهم فقط جلد سوم آن که باقی مانده و جلد اول که حتماً متحلی به نام وی بوده و نیز جلد دوم از بین رفته است. مصحح «مجمع الشعراى جهانگیر شاهی» در مقدمه این اثر گفته: «جز در عرفات العاشقین تقی الدین محمد اوحدی در دیگر جای از قاطعی معلوماتی در دست نیست؛ بنابراین تنها راه آشنایی با قاطعی همین مأخذ است و اثر خود قاطعی مجمع الشعراى جهانگیری» (اختر، ۱۹۹۷: ۱۲).

۱-۱. شخصیت و احوال حیات قاطعی

نام خود قاطعی و نام پدرش معلوم نیست و در جایی ذکر نشده است؛ اما جدش ملا کمال الدین حسین هروی نام داشته است. درست معلوم نیست که پیشه جد وی چه بوده؛ اما چون او با خواجه خُرد مکه یی هراتی برادر خوانده بوده، باید از مردان دانش و ادب روزگار خود بوده باشد (اختر، ۱۹۹۷: ۱۲).

سال تولد قاطعی به طور مشخص معلوم نیست؛ اما باید در اوایل قرن دهم تولد شده باشد؛ به دلیل آن که اوحدی او را در سن بیش از صد سالگی دیده و باز سال فوت او را ۱۳۲۴ ه.ق. دانسته است. وی گفته است: «گاهی وی را میدیدم، از عمرش یک صد و سه سال گذشته بود؛ اما هنوز بنیه قوی داشت و تردد به فراغت میکرد و در ملازمت جهانگیر پادشاه میبود و خدمت پدر و جد ایشان کرده، در اول هزار و بیست و چهار در گذشت» (اوحدی، ج ۵، ۳۰۵۵). همچنان که اوحدی گفته، قاطعی بیش از یک صد و سه سال عمر کرده و در اوایل سال ۱۰۲۴ ه.ق. در آگره وفات یافته است (اختر، ۱۳۹۷: ۴۲). ملا طرزی در مدح وی گفته است:

محیط فضل و ادب میر قاطعی که به فضل

در این زمانه بود بی نظیر و بی همتا...

...رسیده است به صد سال عمر او لیکن

به عقل و فهم و خرد همچو مردم برنا

به دلیل آنکه قاطعی در آگره وفات یافته، به احتمال قوی در همان شهر به خاک سپرده شده است (اختر، ۱۳۹۷: ۴۲).

نیاکان قاطعی ظاهراً از فراه بودند، و از احفاد و اولاد شیخ ابو نصر فراهی سراینده نصاب الصبیان بوده است. او ضمن شرح حال ابو نصر فراهی مینویسد: «فقیر را با آن بزرگوار نسبت هم هست، و مرقد منور ایشان را در فرح [فراه] زیارت نمودم» (اختر، ۱۹۹۷: ۱۲).

شاید و حتماً در جلد نخست مجمع الشعرای جهانگیر شاهی معلوماتی از نام قاطعی بوده که نابود شده است. در همه جای بخش باقی مانده مجمع الشعرای جهانگیر شاهی فقط قاطعی هروی گفته شده و بس. مسقط الرأس قاطعی، هرات است و او در این شهر نشو و نما یافته و تحصیلات خود را تکمیل کرده است (سلیم، ۱۹۹۷: ۱۲).

۲- ۱. استادان و آموزشهای قاطعی در علوم و فنون

قاطعی هروی در زمینه‌های گوناگون ادب و فنون نزد بزرگان دانش و هنر آموزش دیده است. او در هر زمینه استادانی داشته و از آنان چیزهایی یاد گرفته است؛ بدین قرار:

۱. در آموزش علم: چنان مینماید که استاد درس قاطعی هروی در علوم، تا حدی آتشی هروی بوده باشد که از مدرسان با استعداد هرات بوده است؛ چنانچه مشکلات سبحة الابرار جامی را نزد او حل کرده است.

۲. در آموزش فنون شعر: وی مقدمات فن شعر را از ملا نیازی بخاری آموخته، و این ملا نیازی از شاگردان قاسم کاهی بوده است.

۳. در خطاطی: قاطعی در خطاطی، از ملا دوست سلمان، استاد اشرف خان میر و منشی اکبرشاه گورکانی بهره برده و آموزش دیده است.

۴. در تصوف و معنویت پروری: وی با مولانا زین الدین محمود کمانگر بهداینی رابطه داشته است. قاطعی به وی کمال احترام داشته و از هنگام بودن در قندهار با وی آشنا بوده و از لاهور نیز به خدمتش میرسیده است. همچنان با محمد امین ملک پوری که خلیفه مولانا زین الدین بوده رابطه گرم و صمیمانه داشته و هنگام بازدید از لاهور به منزل وی سکنی گزین بوده است (اختر، ۱۹۹۷: ۱۳).

۳- ۱. ندیمان و دوستان قاطعی هروی

قاطعی هروی با اشخاصی از اهل علم و دانش و هنر معاشرت و همنشینی داشته است که در زیر به آنان اشاره میشود:

خواجه حسین هروی: وی از ندمای همایون پادشاه بوده، هنگامی که قاطعی در دربار همایون بوده، خواجه حسین به وی عنایت تمام داشته و حتی از املاک خود که بسیار زیاد بوده یک دیه به قاطعی داده بوده است (اختر، ۱۹۷۹: ۲۴).

محمد میرک منشی: این شخص، هروی الاصل است. قاطعی گفته: «نسبت تباری هم به مصنف دارند» (قاطعی، ۱۹۹۷: ۱۳۷). باز گفته است: «وگاهی غزلی با ایشان در آگره در میان انداخته میگفتم. از ملازمان نامی اکبر شاه بودند و به منصب عالی سرافراز بودند» (همانجا). ملا طرزی: از شاعران فارسی سرای و در نژاد خود از بنی اسرائیل بوده است. قاطعی از وی قصیده‌یی نقل کرده که آن را ملا طرزی در مدح خود قاطعی گفته است؛ بدین گونه:

محیط فضل و ادب میر قاطعی که به فضل

در این زمانه بود بی نظیر و بی همتا

لطیف طبع و هنر پرور و افاضل دوست

سخن شناس و حقیقت پژوه و نکته سرا

طبیعتش چمنی پر شقایق مضمون

دلش محیط صفت پر ز دُرّ بیش بها (اختر، ۱۳۹۷: ۳۱).

۴- ۱. ممدوحان قاطعی

قاطعی دربار همایون، اکبر شاه و نورالدین محمد جهانگیر را دریافته و احتمالاً هر سه را مدح گفته است. در مدح جلال الدین اکبر چنین سروده است:

تا چتر خسرو فلک از دور شد بلند

بهر نثار او طبق نور شد بلند

از یمن همت شه اکبر جلال دین

این خانه مقرنس معمور شد بلند

هر که بر اسپ ادهم خود شاه شد سوار

گویا که ماه در شب دیجور شد بلند

تا جلوه کرد حسن خودش دید در نظر

مستی نمود مور و دم مور شد بلند

بهر نظاره رخ آن ماه چارده

بنشست آن پری و قد حور شد بلند (اختر، ۱۹۹۷: ۴۰)

در مدح نورالدین محمد جهانگیر گفته است:

جهانگیری محمد نام یعنی شاه ابو الغازی
 علم را هم به نور دین او بوده سر افرازی
 تو را صاحب قران چون جد ممتازی است از شاهان
 ز شاهان جهان اندر نسب بسیار ممتازی
 شوم ممتاز اندر شاعران و مردم فاضل
 بیایم گر نظر از بندگان شاه ابو الغازی
 دلم را گر دهم جولان به گاه فکر در معنی
 به مدح او عجب در جست و خیز است ابلق نازی
 سزد گر سر بر افرازی بر این گردون گردنده
 به مدح پادشاه دین اگر ای قاطعی نازی (اختر، ۱۳۹۷: ۳۹).

چنان مینماید که نور الدین محمد جهانگیر، بیشتر از دیگران، ممدوح قاطعی بوده است؛ او از کسانی بوده که قاطعی در مدح وی اشعار زیادی سروده در بیتی گفته است:

همایون و اکبر جهانگیر شاهی
 تو را شد خطابی که ظل الهی (اختر، ۱۳۹۷: ۳۹).

از اشعار قاطعی در مدحش سه قصیده در دست است: یکی، با ردیف عقل، دیگری، با ردیف دانش و سوم با ردیف معنی.

۵- ۱. جایگاه علمی و ادبی قاطعی

قاطعی هروی در دانشوری جایگاه بلند داشته است. سبک کلام وی در نثر، بیانگر جایگاه علمی اوست؛ زیرا متن وی مستحکم و استوار است و از متانت خوبی برخوردار است. عبارات مجمع الشعراء جهانگیرشاهی می‌رساند که وی زبان عربی را زیاد میدانسته و به علوم شرعی آگاه بوده است. او به علوم اسلامی جایگاه والا داشته؛ از اینرو وی را مولانا قاطعی هروی (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۵، ۳۰۵۵) گفته‌اند.

قاطعی هروی در ادبیات جایگاه بلند داشته است. روش سرایش شعرش بیانگر آگاهی او به دانشهای روزگارش بوده است. جایگاه قاطعی در ادبیات در دو بخش نثر و نظم قابل مطالعه است. او در نویسندگی دست توانا داشته و سیاق کلام او در نثر مجمع الشعراء توانایی او را ثابت می‌سازد. او شاعر توانایی بوده و اشعار زیادی داشته که برخی باقی مانده است. از ویژگیهای شعرش است: استحکام وزن، دوری از ابتذال، بافت واژگانی مرغوب، عاری بودن از حشوئیات و معنویت محوری.

روی هم رفته شعر قاطعی در مکتب هندی حد میانه را دارد.

نمونه کلام قاطعی در مدح نور الدین محمد جهانگیر:

ای آنکه آمدی به خرد شهر یار عقل
این رتبه داده است به تو کردگار عقل
هرجا سمند فکر دوانی پی سخن
پس مانده است پیش تو گویا سوار عقل
عقل است آفرینش اول به آدمی
بر طبع استوار تو آمد مدار عقل
هر که به نطق لب بگشایی شود روان
درهای تازه سخت گوشوار عقل
تا رأی عالی تو بنای خرد نهاد
پر خون غیرت است ز دیده کنار عقل
فهمت که هست حصن گشای خرد به دهر
از تیغ رأی گشته مسخر دیار عقل
تا سوی فهم یک نظر انداختی به لطف
هم روز او نکو شده هم روزگار عقل
شوری فکنده ای ز کمالات در جهان
تاراج کرده تو بود هم دیار عقل
شاه یگانه شاه جهانگیر در جهان
بودست دایما به سخن کامگار عقل
اهل خرد که فیض ربایند بر درت

گویا که داده ای تو به دربار بار عقل (اختر، ۱۹۹۷: ۳۶).

نمونه دیگر در مدح حضرت شاه نور الدین محمد جهانگیر عادل غازی:

ای ذات تو توأمان دانش
از فطرت توسست شان دانش
ای عقل مرو به جای دیگر
سر نه تو دگر بر آستان دانش
شاهنشۀ با ادب جهانگیر

از عقل کند بیان دانش
 بنوشته به آب زر به نامش
 منشی ازل نشان دانش
 در مدحت ذات و فهم عالیش
 لال است مرا زبان دانش (اختر، ۱۹۹۷: ۳۵).

۶- ۱. فعالیتهای ادبی قاطعی در دربار

قاطعی در دربار بابر یان، به ویژه در دربار نورالدین محمد جهانگیر، فعالیتهای ادبی داشته است. اشعاری را به اقتراح میگذاشته و مسابقه های ادبی را ترتیب میداده است. غزل غچک وی معروف است که با شعراء، اسپ شرط نموده که هر که برابر این بگوید، اسپ بگیرد و اگر نتواند، حب الحکم اسپ بدهد. آن سروده نقل میشود:

بود غچک چو کمان ابرویی که عاشق زار
 کشیده در بغل و می نوازش به کنار
 غچک مگوی که شاخ گلی است هیأت او
 که گشه ظاهر از آن شاخ ناله های زار
 نه شاخ گل که بود عاشقی به نطق و بیان
 که می کند به زبان سر عشق را اظهار
 کمانچه اش چو هلال و کدو چو بدر منیر
 ز تار مهر بر او بسته است زهره سه تار
 طیب مهر چو بر نبض او نهاد انگشت
 ز درد عشق بر آرد هزار ناله زار
 ز غچکش به تو ای قاطعی چه وصف کنم
 ز ناله های حزینش بود دلم افکار (اختر، ۱۹۹۷: ۳۷).
 بعد به همین مناسبت گفته است:
 بستم گرو به گفتن این شعر چون گهر
 بر شاعران دهر یکی اسپ شاهوار
 اما به شرط آنکه به انصاف اهل نظم
 در گوش بکر فکر بسازند گوشوار
 انصاف را ممیزه سازند و آورند

تشبیه خوب و لفظ چو دُر معنی آبدار
 من هم ز روی صدق شوم خاکسار شان
 صد آفرین بگویم و تحسین بی شمار
 ور زانکه دور رفته ز انصاف و از حیا
 گیرم به حکم شاه یکی اسب کام دار
 حقا که این لآلی سیماب بی بها
 وارد شده است بر من خاکی خاکسار
 ور نه کجاست قاطعی و لاف این گراف

دارد ز کذب گویی خود روی شرمسار (اختر، ۱۹۹۷: ۳۷).

در نخست کسی به این تقاضای قاطعی و مسابقه پاسخ نداد؛ اما بعد از مدتی یکی از شاعران به نام مولانا قاسم، که شاگرد قاسم کاهی بوده، چنین به پاسخ وی پرداخته است:

دوشم آمد این ندا از قاسم کاهی که گفت
 آنکه هم پیر است و هم استاد من در شاعری
 پایه شعر است بالاتر ز هفتم آسمان
 رتبه عالی است اهل شعر را چون بنگری
 گر نبودی وحی منزل شعر هم در طور خود
 نسبت شاعر چرا کردند با پیغمبری
 سالها باید که طفلی را ز ابتدای زمان
 پرورد در مهد معنی دور چرخ چنبیری
 مادر ایام هم عمری ز پستانهای طبع
 بر لبان او لبین ریزد ز مهر مادری
 تا شود ناطق بسان سعدی و ملای روم
 همچو فردوسی شود در شعر یا چون انوری
 فرض کردم فی المثل چون این بزرگان سخن
 معنی رنگین و لفظ خوش ادا می آوری
 مر کلام خویش را باید نباشی معتقد
 معجز عیسی اگر داری و سحر سامری
 قاطعی این قطعه را از شخص شاعر طبع پرس

قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری (اختر، ۱۹۹۷: ۳۸).

قاطعی به پاسخ وی گفته است:

بشنو ای یار عزیز من اگر یار منی
آورد بابای فطرت چون که نیکو بنگری
گر رسد فیض الهی در سخن من هم کنم
یا کند پیرم سخن یا طبع غرا یاوری
روح خاقانی شود آگاه در ملک سخن
گر رسانم یک سخن در گوش روح انوری
گر کنم تعریف شعر خود نباشد هیچ عیب
زانکه من بنموده/م در شعر سحر سامری
هیچ کس از حالت شاعر نگفتی شمه‌یی
نظم فخریه از آن گفتند اندر شاعری
کی ببايد جامعی دیگر به مثل من به دهر
گر بگردد زیر گردون پیر چرخ چنبری
بسته بودم اسب راهواری گرو اندر سخن
گر ز خاطر رفته باشد، مولوی! یادآوری
گر زندهش بر محک خالص بود این زر ناب
شعر من رایج به شهر آمد چو زر جعفری
قاطعی بر نظم دُرّت را به پیش دُر شناس
قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری (اختر، ۱۹۹۷: ۳۸).

۷-۱. آثار قاطعی

مهمترین اثر قاطعی، همین مجمع الشعرای جهانگیرشاهی است که دو دفتر اول آن به مرور ایام تلف شده و از بین رفته است و تنها بخش سوم آن باقی مانده است. از قراین معلوم می‌شود که *لا اقل* قسمتهایی از جلد اول و دوم این اثر نیز تا قرن دوازدهم وجود داشته و مورد استفاده تذکره نویسان از جمله میر غلام علی آزاد بلگرامی نویسنده تذکره سرو آزاد و شاگردش لچهمی قرار داشته است. قاطعی هروی رساله دیگری در باب ایلچی‌گری حکیم همام و سید صدر جهان بهانی داشته که در دسترس آزاد بلگرامی بوده است و از آن یاد کرده؛ اما از بین رفته است. اثر دیگر قاطعی هروی قصه حمزه است که خودش آن را از تألیفاتش یاد کرده است: وی گفته:

«میر کلنگ از خوشنویسان وقت بودند... در هند به خدمت شاه اکبر آمده مشرف شدند و از جمله کتابت کتابخانه بودند. ایشان و میردوری و حافظ محمد امین، شاگرد میر سید احمد، با چند خوشنویس بی بدل، قصه حمزه که مصنف ساخته پرداخته و مجلد کرده در آنجا خوشنویسی مینمودند» (قاطعی، ۱۳۹۷: ۵۴).

۲. مجمع الشعرای جهانگیر شاهی

مجمع الشعرای جهانگیر شاهی یکی از آثار معروف و مهم قاطعی است. در باره شناخت این اثر، نکاتی قابل پژوهش است که در زیر به بحث گرفته میشوند:

۱- ۲. نام و مشخصات کتاب

این کتاب از آنجا که به خدمت نورالدین محمد جهانگیر تقدیم شده است، به نام مجمع الشعرای جهانگیر شاهی نامیده شده است. این اثر، توسط قاطعی هروی تألیف شده که پیشتر در مورد وی بحث صورت گرفت. حجم کتاب زیاد بوده و در سه جلد تألیف شده بوده؛ اما دو جلد آن در مسیر روزگار از بین رفته و فقط جلد سوم در دست است. از قراین معلوم میشود که لااقل قسمتهایی از این کتاب تا قرن دوازدهم وجود داشته و مورد استفاده تذکره نویسان از جمله میر غلام علی آزاد بلگرامی نویسنده تذکره سرو آزاد و شاگردش لجهمی قرار داشته است. آنچه از این کتاب باقی مانده و اکنون در دست است، زندگی نامه ۱۵۱ نفر از شاعران به شمول خود مولف و جهانگیر شاه را شامل است.

۲- ۲. روش کار تألیف مجمع الشعرا

در تألیف مجمع الشعرای جهانگیر شاهی، کدام ترتیب و تنظیمی مراعات نشده؛ بلکه مطابق ذوق و سلیقه شخصی نویسنده عیار شده است. شاید عرف روزگار همین شیوه بوده است؛ چون سایر تذکره‌ها نیز به همین منوال تألیف یافته‌اند؛ به همین گونه در این اثر، به تاریخ تولد و وفات شاعرانی که معرفی شده‌اند، نپرداخته است؛ بلکه بیانش بیشتر جنبه توصیف دارد و خصایل شاعران بیان شده است.

نویسنده بیشتر به کیفیت جایگاه علمی و ادبی شخصیت‌های تذکره پرداخته و نسب و شخصیت ذاتی شاعران را بیان نکرده است و به اموری چون جای سکونت شاعران اشاره کرده و جایگاه اجتماعی و سیاسی و رابطه شاعران را با دیگران بیان داشته است. آنچه بسیار محسوس است، این که شرح حال شاعران به دعای خیر بر جهانگیر خاتمه می‌یابند؛ به گونه مثال: بعد از ذکر خیر ملا مظفر هروی گفته است: «الهی تا از ظفر نام و نشان است، تیغ و حکم حضرت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه عادل غازی مظفر و منصور باد» (قاطعی، ۱۳۹۷: ۱۳۴). باز در خاتمه ذکر خیر مولانا حسن علی گفته است:

الهی تا از شهر هرات آثار و علامات هویداست، عمر و دولت حضرت نور الدین محمد جهانگیر پادشاه باد! و این روش در همه زندگی نامه ها ادامه یافته است.

۳-۲. هرویان در مجمع الشعرای جهانگیرشاهی

جایگاه شاعران و اهل هنر هرات در مجمع الشعرای جهانگیرشاهی بسیار برازنده و محسوس است. این بدان دلیل بوده که از جانبی نویسنده هراتی بوده و با شاعران هرات آشنایی داشته است؛ از جانب دیگر تعدادی از هراتیان در هند به سر میبردند که با وی شاید محشور میبودند.

شاعران و دانشمندان هراتی که در این کتاب ذکر شان رفته است؛ عبارت اند از: اشرف خان هروی که از سادات صحیح النسب هرات و از خطاطان معروف بوده است (قاطع، ۱۹۹۷: ۵۳). خواجه عبد الله مروارید (همان: ۵۴)، ملا صدر حنا تراش هروی (همان: ص ۶۰)، ملا خواجه خُرد مکهبی (همان: ۶۶)، میر کلنگ از خطاطان و سخنوران هرات (همان: ۷۴)، مولانا حسن علی رجایی خراسی از سخنوران و مدرسان هرات (همان: ۷۹)، ملا رجایی صراف از سخنوران هرات (همان: ۸۰)، مولانا فخری (فخر الدین علی صفی فرزند واعظ کاشفی) (همان: ۸۹)، ملا صالحی از سخنوران هرات که در باره اش گفته است: «در هری میباشند و نسبت تباری به ما دارند» (همان: ۹۷)، شیخ جلال از عارفان سخنور هراتی که مرید مولانا شمس الدین روحی نواسه مولانا جامی بوده (همان: ۱۱۳)، ملا فهمی هروی از سخنوران هرات (همان: ۱۱۵)، ملا مظفر هروی از سخنوران خوش سخن هرات (همان: ۱۳۴)، ملا میرک صالحی هروی از سخنوران آن دوران (همان: ۴۵)، میر دوری هروی از خطاطان و سخنور (همان: ۷۵)، ملا واقعی هروی، مولانا نوری هروی و میر فیضی هروی از سخنور هرات (همان: ۴۶).

۴-۲. تحقیق و چاپ مجمع الشعرای جهانگیرشاهی

کتاب مجمع الشعرای جهانگیرشاهی توسط دکتر محمد سلیم اختر، از استادان دانشگاه کراچی پاکستان، تصحیح شده و با تعلیقات و مقدمه مفصلی در سال ۱۹۹۷ میلادی در کراچی پاکستان، توسط مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی - دانشگاه کراچی به چاپ رسیده است. محتوای مقدمه این اثر شرح حال قاطعی، سیر و سیاحت و جایگاه ادبی وی را شامل است و نیز به بیان ماهیت کتاب پرداخته است.

۵-۲. ارزش تذکره الشعرای جهانگیر شاهی

با توجه به محتوایی که تذکره مجمع الشعرای جهانگیر شاهی دارد، از چند نگاه ارزشمند تلقی میشود. این کتاب یکی از آثار ادبی و میراث‌های فرهنگی فارسی زبانان است. منبعی برای تحقیقات ادبی به خصوص در حوزه تاریخ ادبیات فارسی است. منبعی برای تحقیق روی ادبیات هرات است که در ادبیات هرات حایز اهمیت تلقی میشود. جایگاه شعر و ادبیات فارسی در شبه قاره را برجسته میسازد و سرانجام پیوند میان ادبیات هرات با شبه قاره را آشکار و متبازل میگرداند.

نتیجه گیری

از محتوای این مقاله به این نتایج دست می یابیم که قاطعی هروی (متوفای ۱۰۲۴هـ.ق) از دانشمندان شاعر و نویسندگان هرات در شبه قاره بوده که شناخت آن در ادبیات فارسی و میراث‌های فرهنگی هرات ارزشمند است. او شاعر و نویسنده مطرح در دوره بابرین و در دربار جهانگیر بوده و آثار ارزشمندی داشته که مجمع الشعرای جهانگیر شاهی از آن جمله است. مجمع الشعرای جهانگیر شاهی، تذکره شاعران فارسی سرای دوره بابرین است که هرچند از نگاه ثبت تاریخ زندگی شاعران زیاد دقیق نیست؛ اما جایگاه ادبی شاعران را خوب آشکار میسازد.

مؤلف این کتاب هروی است و تعدادی از شاعران هرات را معرفی میدارد. لذا پیوند میان ادبیات هرات و شبه قاره را قایم ساخته است. ادیبان هرات در شکل دهی شکوفایی ادبی دربار بابرین، نقش قابل اعتنایی داشته اند. مجمع الشعرای جهانگیر شاهی، در پژوهشهای حوزه تاریخ ادبیات یکی از مراجع خوب و ارزشمندی است که مشکلات پژوهشی را برطرف کرده میتواند.

پیشنهاها

با توجه به پیوند قاطعی و اثرش به هرات خوب است که فرهنگیان هرات به چاپ مجدد مجمع الشعرای جهانگیر شاهی با تعلیقاتی در مورد هروی اقدام کنند.

با توجه به پیوند ادبی هرات و شبه قاره، ارتباطات ادبی - فرهنگی بیشتر میان دانشگاه هرات و مراکز اکادمیک شبه قاره برای همیشه باید قایم باشد.

محققان هرات، برای تحقیق و بازدید از منابع ادبی مربوط به هرات به شبه قاره سفر کنند تا همچو منابع را شناسایی نمایند تا در باره پیوند ادبی هرات و شبه قاره تحقیقاتی صورت گیرد.

منابع

۱. اختر، محمد سلیم. (۱۹۹۷). **مقدمه تذکره مجمع الشعراء جهانگیر شاهی**. پاکستان - کراچی: چاپ اول. مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی.
۲. اوحدی دقاقی بلیانی، تقی الدین محمد. (۱۳۸۸). **عرفات العاشقین و عرصات العارفین**. با مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: چاپ اول. انتشارات اساطیر.
۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغتنامه دهخدا**. تهران: چاپ دوم از دوره جدید. انتشارات دانشگاه تهران.
۴. صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۹ هـ.ش). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: چاپ سیزدهم. انتشارات دیبا.
۵. غبار، میر غلام محمد. (۱۳۸۶). **تاریخ ادبیات افغانستان پنج استاد (بخش پنجم)**. کابل: مرکز نشراتی اقرأ.
۶. فکری سلجوقی، عبد الرؤوف. (۱۳۴۹). **خوشنویسان و هنرمندان**. کابل: نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ.
۷. قاطعی هروی. (۱۹۹۷). **تذکره مجمع الشعراء جهانگیر شاهی**. پاکستان - کراچی: چاپ اول. مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی.
۸. گروه نویسندگان. (۱۳۵۵ هـ.ش). **نگاهی بر نقش فرهنگی افغانستان در عهد اسلامی**. کابل: مدیریت سالنامه وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان.